

دروغ...!

« جعلت الخبائث کلهافی بیت وجعل مفتاحها
الکذب » : تمام ناپاکیها در خانه ای است و
کلید آن خانه دروغ است
امام حسن عسکری (ع)

❁ ارزش و اهمیت اخلاق

❁ زیانهای گوناگون دروغ

❁ دروغ از نظر منطق دین

❁ ارزش و اهمیت اخلاق

یکی از ارکان و شرایط زندگی اجتماعی و تکامل هر ملتی اخلاق است ، اخلاق با حیات بشر زاینده شده و عمر آن مساوی با عمر نوع انسانی است ، هیچ خردمندی نیست که در اهمیت و لزوم آن برای آسایش و سلامت روح کمترین تردیدی داشته و یا اثر سود بخش و قاطع آن را در تقویت اساس و شدت اجتماعی و اصلاحات عمومی انکار نماید ؛ کیست که از دستکاری و امانت بیزار بوده و نیکبختی و سعادت خود را در سایه خیانت و نادردستی جستجو کند ؛ در ارزش اخلاق همین بس که هر ملت عقبمانده یا متدنی ولو اینکه بایند با آئینی نباشند فضائل اخلاقی را بدیده تقدیس و احترام نگریسته ، و پیروی از یک سلسله احکام آن را در رشته پرپیچ و تاب زندگی بر خود حتمی و اجتناب ناپذیر میدانند ، افلاطون فیلسوف شهیر یونانی میگوید : « تمام طلاهای روی زمین و زر زمین بقدریک فضیلت اخلاقی ارزش

ندارد « مطلب فوق از جنبه نظری مورد اتفاق عمومی است ؛ اما از جنبه عملی نوع مردم بین علم و عمل فرسنگها فاصله انداخته و مکارم اخلاق را با تمایلات حیوانی مبادله کرده اند پیوسته جو یای اندانند فریبنده ای هستند که همچون حبابهای بی دوام بر سطح زندگی گمانی تظاهر و خودنمایی میکنند .

بشر از کار گناه خلقت غرائب متضادی با خود همراه آورده است ، قلب میدان صف آدائی و پیکار صفات نیک و بد و نخستین قدم در تصفیه و تنزیه آن تسخیر دو قوه نیرومند غضب و شهوت است که در دایره اختیار بشر قرار گرفته و منشأ سایر قوای حیوانی میباشد ، باید از سوء استعمال و افراط آنها احتراز ، و تمایلات خشن و مضر را تبدیل بحسیات زیبا و سودمند کرد ، البته انسان در مسیر زندگی از عواطف خود استفاده های شایانی میبرد اما اثر نیک آنها وقتی آشکار میشود که سر تسلیم در پیشگاه فرمان عقل فرود آورند . افرادیکه بتبادل قوای باطنی خود پرداخته و خواسته های دل را با پسند عقل و خرد منطبق و خلاصه میان عقل و دل صلح و آشتی برقرار ساخته ؛ بطور مسلم راه خوشبختی را در میان مشکلات با اراده ای آزاد از تنزل و سستی پیوندند ؛ درست است که امروز فعالیت حیاتی حالت برق آسانی بغود گرفته و بشر با نیروی اندیشه شمع قدرت خود را با عناق دریاها رسانده است ، اما اینهمه بدبختیها و انقلابها که در سینه تمدن کنونی جاری ، و نسل بشر را در میان امواجی از مشکلات و مصائب قرار داده است ؛ و جامعه را دستخوش بی نظمی و گرفتار تباهی ساخته ، علتی جز ورشکستگی روحی و انحراف از مسیر فضائل اخلاقی ندارد ، ذول رومان میگویید: علوم در این دوده ترقی کرده ولی خوی و احساسات غریزی مهنوز در مرحله بدوی متوقف است هر گاه آنها نیز دوش بدوش عقل و دانش ترقی میکرد میتوانستیم بگوئیم که مدنیت انسان نیز که زائیده فکر و اراده نیکوست ترقی کرده است .

آری تمدنی که حق حکمرانی بکارم اخلاقی نداده و بروی احکام آن خط بطلان کشد ، سرانجام طومار چنین تمدن مسومی بعکم قانون تعادل در نور دیده خواهد شد و وجود تقاضی و بدبختی در جامعه خود نمودار احساس نیاز اجتماع بقوانین اخلاق است اخلاق بکالبد ناتوان و خسته تمدن یک نفعه زندگی دمیده و نیروی حیات بخشی بوی اوزانی میدارد .

زیانهای گوناگون دروغ

بهمان نسبت که راستگویی پسندیده و سودمند میباشد دروغگویی ناپسند و زیان آور است ، آن از بر جسته ترین صفات و این از نکوهیده ترین آنها ؛ زبان را از گوی قلب و ترجمان

احساسات باطنی است اگر دروغ از حسد و عداوت سرچشمه گرفت نتایج تراوشات خطرناک نیروی غضب و چنانچه از ناحیه طمع و بااعتیاد بدیدار شد از آثار شوم شعله‌های سوزان شهوت است.

اگر زبانی بدروغ زهر آلود گشت و بلیدی در گفتار نمایان شده همچون طوفان خزان حیثیت گوینده را دستخوش غارت و بنما قرار داده و کاخ شرافت او را وژگون میکند دروغ روح خیانت و ناپاکی را در انسان تقویت و آتش وجدان را در کانون دل خاموش میسازد در گسستن رشته وحدت و اتفاق بیداد کرده و موجب شیوع نفاق در جامعه میگردد؛ بخش مهمی از گمراهیها نتیجه سخنان و ادعاهای خلاف واقعی است که آزمندان برای اجرای نیات سود طلبانه خود با گفتار ظاهر فریب؛ پرده ضخیمی بر چهره حقایق زده، و با تلقینات زهر آگین، ساده لوحان را بزنجیر اسارت میکشانند.

دروغگو مجالی برای تأمل و اندیشه بخود نمیدهد؛ و بتصور اینکه کسی از راز او آگاهی ندارد بعاقبت کار بازیگوش نمیشود و لذا پیوسته در طی گفتار دچار اشتباه و تناقض گویی گردیده؛ و عاقبت با افتضاح و شکست مواجه میشود و خجلت و رسوائی عجیبی بازمیآورد پس بی اساس نیست که میگویند: دروغگو کم حافظه است.

یکی از عوامل شیوع این خصالت مذموم که راستی موجب مسمومیت اخلاق جامعه گردیده؛ عنوان دروغ مصلحت آمیز است؛ این عنوان پرده خوش نمایی است که بروی این بلیدی کشیده میشود، و نوعاً مردم برای توجیه دروغهای شاخدار خود بروی آن تکیه میکنند، اما غافل از اینکه عقل و شرع آنرا با شرایط مخصوصی تجویز میکنند، مثلاً اگر جان یا مال و ناموس مسلمانی در معرض تلف واقع شود، باید با وسایل مقدور دفاع نمود و از وقوع خطر بمرزجان یا متعلقات مسلمان شدیداً جلوگیری کرد، و لولبا گفتن دروغ باشد. اما در عین حال نباید از حدود ضرورت تجاوز کند، اگر دائره مصلحت را به مقتضای منافع شخصی و دلخواه خود توسعه داده و آنرا بمنوان یک برهان قاطع در تمام موارد مورد استناد قرار دهیم، دیگر محل وزمینه‌ای برای دروغ بی مصلحت باقی نخواهد ماند؛ این نکته را نباید از نظر دور داشت که دروغ شربزگی است. و اگر با حصول شرایط تجویز و وسیله آن شری مرتفع گردید، تازه افسندی بقاسد کوییده شده است.

آزادی بیان بیش از آزادی فکر قابل اهمیت است، زیرا اگر انحراف و لئزشی در ناحیه افکار پدید آمد آثار سوء آن تنها متوجه شخص فکر کننده است، اما آزادی بیان در حدود مصالح اجتماع میباشد، و از این رهگذر سود و زیان آن دامنه دار و عمومی خواهد بود.

غزالی میگوید: «زبان از نعمتهای بزرگ و مصنوعات دقیق و لطیف پروردگار است این هـو گرچه از نظر حجم و جرم کوچک اما طاعت و جرمش بزرگ و سنگین میباشد، زیرا کفر و ایمان با گواهی زبان آشکار میشود و این دو منتهای طقیان و بندگی است» سپس اضافه میکند: «کسی از شر زبان رهایی میباشد که آنرا با انجام دین در قید کشد و جز در مواردی که سود دنیا و آخرت باشد آزادش نسازد».

دروغ از نظر منطق دین

قرآن مجید بطور صریح و روشن دروغگو را از جامعه مسلمانان و اقی بیرون دانسته است: **انہ یفتری الکذب الذین لا یؤمنون بآیات اللہ** کسانی که دروغ میسازند به حقیقت آیات خدا ایمان ندارند (نحل- ۱۰۷) از مفهوم آیه استفاده میشود که صاحب ایمان بدروغ آلودگی ندارد.

: ایاکم و الکذب فان الکذب یهدی الی الفجور و الفجور یهدی الی النار
هرگز پیرامون دروغ نگرددید زیرا دروغ طبیعت را بیدکاری سوق داده و بدکاری هم انسانرا بجانب آتش میکشد (رسول الله- ص)

اسلام تمام بر نامه های اخلاقی و اصلاحی را بر اصل ایمان استوار ننموده، و آنرا اساس سعادت بشری شمرده؛ اخلاق بدون ایمان بقول دکارت مانند قصری است که بر فراز لعن بنا کرده باشند، دین بر دو کشور عقل و قلب فرمانروایی میکند و بدین سبب مرکز صلح و آشتی مغز و دل است؛ طلوع عواطف دینی از نفوذ احساسات مادی میگذرد و میان انسان و انواع بلید دنیا سدی قوی و نیرومند برقرار میسازد برای کسی که متکی بایمان است همیشه آرامش و پناهگاه و هدف موجود میباشد، اسلام مقیاس و محور شخصیت انسانرا ایمان و ملکات پاک دانسته و برای تقویت و حفظ این دو جنبه تلاش میکند، همین ایمان است که بسخن مسلمان ارزش و اعتبار داده بطوریکه در قانون قضایی دین سوگند یاد کردن - با حصول شرائط - بجای اقامه دلیل یکی از وسائل ختم دعوی است و همینطور گواهی و شهادت شخص مسلمان از طرق اثبات حقوق اجتماعی میباشد. بدینی است اگر دروغ در این دو مورد قیافه وحشت انگیز خود را نمایان ساخت، زیانش ناچه حد سنگین؛ و لغزشی است که هرگز قابل عفو و بخشش نیست، پس ملاک شدت گناه دروغ بسته بزبانهای است که از او ناشی میشود مثلاً سوگند و شهادت دروغ ضررش بیشتر و بموجب این علت گناهش عظیمتر خواهد بود.

دروغ اولین وسیله دسترسی بسایر ناپاکیها است ما برای صحت مدها و روشن شدن مطالب توجه شما را بدستور پیشوای اسلام در این زمینه جلب مینمایم:

شخصی به خود نبی اکرم (ص) شرفیاب شد و از پیشگاه حضرتش برای سعادت و نیکبختی خود دستوری خواست تا از هر تو منطبق توانا و در سای پیمبر کانون جان خود را معرفت بخشد ، رسول اکرم تقاضایش را پذیرفت و بایک جمله کوتاه -خواستش پاسخ داد : راستگویی پیشه کن و از دروغ پرهیز نما شخص مزبور جوابش را گرفت و از معضرت پیمبر مرخص گشت ، ولی بعدها وی اعتراف کرد که من در لجنزار صفاتی زشت غوطه و در خودم پس از اخذ آن دستور ناچار شدم برای همیشه با آن آلودگیها وداع کنم زیرا در برخورد های روزانه اگر از من سؤالی میشود و حقیقت علم را میگفتم، برده از اسرارم برداشته میشود کارم بافضاح و رسوائی میکشید و چنانچه برده پوشی کرده و دروغ میگفتم دستور پیمبر را بمورد اجرا نگذاشته بودم ، و در نتیجه مراقبت در حفظ این دستور از گرداب پلیدی نجات یافته ، و نقطه های تاریک گناه را از لوح دل پاک کردم .

آری آنکس که راست گفت و براه راست رفت دزدندگی از رونج حرمان و تأسف بر کنار و شمع جاننش همواره فروزان ، از آشفتگی و تردید دوامان بوده و خاطرش از هجوم افکار پریشان در آسایش است .

پس مطالعات اجتماعی و توجه به واقعه سوء دروغ از نظر دین و دنیا برای هر متفکر و شرافت دوستی بزرگترین درس عبرت و تازیانه سرمشق و انبیه خواهد بود ، تجلی کمال حقیقی در سایه ایمان و اخلاق است و هر کجا کمال حقیقی نیست آسایش و سعادت با آنجا راه ندارد .

هلت نجس بودن خون

از دکتر جزائری - آبادان

امروزه خون را برای کشت و زرع میکرب بکار میبرند برای اینکه زندگی و زاد و ولد و تغییراتی را که میکرب در طی مراحل مختلف می - پیماید تحت مذاقه قرار دهند و بالاخره مقاومتش را در برابر داروهای گوناگون بتوانند بسنجند باید میکرب را کشت نمایند به عبارت دیگر آنها را میتوانند زیاد کنند و یکی از طرق تکثیر آنها آماده نمودن محیط مناسبی است که میکرب بتواند تولید مثل نماید خون محیط بسیار مناسبی است از اینرو تامادامیکه در داخل رگها جریان دارد میکرب را بدان دسترسی نیست مگر در موقع مریش شدن - و هنگامیکه از رگها بیرون می آید انواع واقسام میکربها در آن رشد و نمو مینمایند - پس نجس تر از خونیکه از بدن خارج میشود کمتر چیزی یافت میگردد و مقدس تر از آن در داخل بدن مایمی یافت نمیشود .